

تجاوز شش جدي 1358 خورشیدی (27 دسامبر 1379 میلادی) سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را جداً تقبیح می نمایم!

شش جدي 1358 خورشیدی روزیست که سوسیال امپریالیزم "شوروی" با لشکرمتجاوزمجهز هوایی وزمینی اش با رهنمائی باندهای آدمکش وجنایت کار "حزب دموکراتیک خلق" افغانستان به سرپرستی بیرک شید ووطن فروش به کشورما تجاوز نمود. سوسیال امپریالیزم بخاطر نیل به آرمان امپریالیستی اش کشور مارا زیرنام "کمک انترناسیونالیستی" مورد حمله وحشیانه قرارداد ونامش را "مرحله دوم انقلاب برگشت ناپذیر 7 ثور" گذاشت. شهرهارا به گلوله بست، روستاها ودهات را زیرزنجیرتانک ها ویمباردمانهای وحشیانه به تل خاک میدل نمود. نه باغ، نه راغ، نه کهسارنه دشت ودمن هیچ یک از گزنداین تجاوزوحشیانه درمان نماند. از انسان تابه صدها نوع جنبنده وخزنده مزه سربهای گداخته، بمبهای نا پالم وانواع واقسام گوناگون بمها وسلاح های گوناگون را چشیدند. تا مردم افغانستان رابه تسلیمی وانقیاد مجبور سازند. بیش از دوملیون انسان را کشتند، حدود یک ونیم میلیون تن را معلول ساختند و بیش از شش ملیون مردم را به کشورهای همجوار ایران، پاکستان و دیگر کشورها آواره ودربردار ساختند. بیشتر از نصف مزارع، نهرها، جویها وکاریزها را نابود ساختند. کلیه های فقیرانه مردم را دردهات به خاک یکسان ساختند. سرک ها، پل ها وپلچک ها، بیمارستان ها ومکاتب را به خاکستر تبدیل نمودند. شیرازه خانواده ها رادرشهرها وروستاها برهم زدند. موزیم های کشوروداروندارش رابه تاراج بردند. موادخام از قبیل پخته، گاز، سمنت و... رابه یغما بردند. هزاران نفر از روشنفکران وطن پرست وشعله ای را اعدام کردند و صدهاتن را درتبانای وزدویند با احزاب جنایتکاراسلامی کشتند، ولی نتوانستند مقاومت دلیرانه ووطن پرستانه مردم افغانستان را ازبین ببرند. سرانجام مردم افغانستان با جانفشانی ها وجان نثاری های خویش سوسیال امپریالیزم شوروی را به زانو درآورده ومجبور به عقب نشینی نمودند وبه تعقیب آن دولت دست نشانده خلق وپرچم رانیز به سقوط مواجه ساختند. با تأسف که در نبود یک حزب انقلابی کارگری همه جانفشانی ها ودستاورهای مبارزاتی مردم به هدررفت ورهبری مبارزه وجنگ آزادیبخش مردم افغانستان به دست نیروهای ارتجاعی احزاب اسلامی افتاد وکشور دربحران دیگری سردچار گردید. احزاب اسلامی بخاطر قدرت دولتی و تاراج دارائی های دولتی ودارائی های مردم درگیر جنگهای میان گروهی گردیدند که به اثر آن سه بر چهار حصه کابل به خاک یکسان شد وده ها هزار نفر در زیر فیر بم ها، راکتها ومرمی هابه قتل رسیدند وبه مال وناموس عده ای از آنها تجاوزوبی حرمتی صورت گرفت. به تعقیب آن گروه وحشی طالبان با شعار مبارزه ضد شروفساد باحمایت مستقیم امپریالیزم امریکا وانگلستان ودولت پاکستان وارد افغانستان شدند وبعد از فرار بزدلانه مجاهدین به اندک زمانی امارت اسلامی طالبان را بنیانگذاری نمودند. طالبان مکاتب دختران را تعطیل وکلاً تحصیل دختران را منع کردند زنان را ازرفتن به کار منع نمودند. بخش موسیقی وتلوویزن را ممنوع ساختند. ماندن ریش را اجباری ساختند ومردم را در تاریکی وجهالت قراردادند وزمینه را برای تجاوز امپریالیزم امریکا وقوای ناتو مساعد ساختند. امپریالیزم امریکا وقوای ناتو که از قبل پلان غارت وتجاوز به افغانستان را در سر میپورراندید. به بهانه عدم تسلیمی اسامه بن لادن توسط امارت اسلامی طالبان به تاریخ 7 اکتبر 2001 به افغانستان لشکر کشی نمودند وبامبارمانهای وحشیانه که باعث قتل هزاران نفر گردید، طالبان رابه شکست مواجه ساختند ودولت دست نشانده کرزی را که متشکل ازتمام وطن فروشان وخائنین ملی اعم از جهادی، خلقی - پرچمی، طالبی، دموکرات وتسلیم طلب میباشند، به اریکه قدرت نشانند. با بوجود آمدن دولت دست نشانده کرزی نه تنها روزوروزگار مردم خوب نشد، بلکه وضع مردم از بدبتر شد. بمباردمان های وحشیانه امپریالیزم امریکا، قوای ناتو ودولت دست نشانده در دهات بویره درمناطق پشتون نشین، تجاوز به ناموس مردم از طرف جنگ سالاران دسته های ملیشه های لمپن، غصب وتصاحب زمینهای زراعتی واملاک مردم توسط زورمندان همه بلاهائی است که زندگی رابالای مردم جهنم ساخته است از طرف دیگر دردهات حاکمیت

طالبانی بیداد میکند. اعدام های خودسرانه و گردن زدن و سنگسارزنان و مردان به بهانه های فساد اخلاقی یا همکاری با دولت دست نشانده کارد رابه استخوان مردم رسانده است. همه این ظلم و ناروایی در حق مردم در عدم موجودیت یک حزب نیرومند انقلابی صورت گرفته و میگردد و تا زمانیکه چنین حزبی ایجاد نگردد و مردم افغانستان در این حزب انقلابی بسیج نشوند و مبارزه مترقی را علیه اشغالگران و دولت مزدور تحت رهبری آن آغاز نکنند، وضع بدین منوال به پیش خواهد رفت. همین اکنون صدای اعتراض مردم در هر گوشه و کنار برضد امپریالیزم امریکا، قوای ناتو، دولت دست نشانده و طالبان بگوش میرسد. اما تا هنوز نیروهای انقلابی مردمی که بتوانند اعتراضات و حرکت های خودجوش مردم را رهبری نمایند، در حالت سردرگمی، تشتت و پراگندگی به سرمیبرند و نتوانسته اند در یک حزب انقلابی پرولتری با خط مشی درست و اصولی متحد و منسجم و متشکل گردند. جنبش انقلابی افغانستان در مجموع از نبود یک حزب واقعاً انقلابی نیرومند رنج میرد و بدون موجودیت آن هرگونه اعتراضات خود جوش مردم و افاشاءگریهای روشنفکرانه سرانجام به شکست مواجه گردیده و باز، زمان بکام ارتجاع و امپریالیزم خواهد چرخید. بدون یک حزب انقلابی طبقه کارگر، مبارزه برضد ارتجاع و امپریالیزم بدان میماند که ما بصورت پراکنده و دست خالی به جنگ ازدها برویم. باید از تاریخ درس گرفت. تا زمانیکه در سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) خط مشی درست و اصولی و انقلابی مسلط بوده و از برنامه فعالیت منضبط ایدئولوژیکی، سیاسی و تشکیلاتی برخوردار بود. مؤقتیت های چشمگیری داشت و هزاران نفر روشنفکران، مامورین پائین رتبه، کارگران و پیشه وران را به خود جذب نمود و به اندک زمانی به یک جنبش فراگیر ملی و انقلابی مبدل گشت. اما زمانیکه رفیق اکرم یاری مریض شد و مشی غیر اصولی پاسفیبستی، التقاطی و سنتریستی در آن حاکم گردید و جای انتقاد و انتقاد از خود را لیبیرالیزم و بی بندوباری گرفت و زمینه برای رشدنوموی اندیشه های اکونومیستی، اسلامیستی، دکماتیستی و سکتاریستی مهیا گردید. سرانجام سازمان به طرف انشعاب و انحلال رفت. جای کار منضبط تشکیلاتی را گروهگرانی و سکتاریزم گرفت و زمینه برای رشد اندیشه های سکتاریستی و لمپنانه مهیا گردید که با اتهام بستن به افراد، شخصیت کوبی و محفل بازی روشنفکرانه زیان های جدی به پیکر جنبش وارد آمد و جنبش به فروکش و شکست مواجه گردید. این درست است که جنبش دموکراتیک نوین مورد تهاجم و ضربات خرد کننده دولت خاین و نیروهای ارتجاعی "اخوان" قرار گرفت این هم درست است که این جنبش در حالت تشتت و پراگندگی قرار داشت و یک برنامه درست اصولی و مبارزاتی برای ایجا دحزب طبقه کارگر نداشت و از این نقطه ضعف آن نیروهای ارتجاعی بیشترین استفاده را نمودند و آن ها را مورد تهاجم قرار دادند. ما باید واقعبین باشیم با چند نوشته و لاف و پتاق روشنفکرانه و سکتاریستی هیچ کاری انجام نخواهد یافت. باید دست هارا باهم گره بزیم و برضد هرگونه نظرو عمل اپورتونیستی و رویونیستی، سکتاریستی، سنتریستی، دکماتیستی و لمپنانه که نفاق و شقاق را در جنبش د امن میزنند به مبارزه برخیزیم. با سلاح انتقاد و انتقاد از خود به طرف وحدت و ایجاد حزب انقلابی پرولتری برویم. بی اعتمادی، اتهام و حرکات لمپنانه درون جنبش را محکوم نمائیم و با انتقاد و انتقاد از خود به طرف وحدت، مبارزه، وحدت به پیش برویم. محفل بازی و گروهگیری را به دور اندازیم و با روش علمی، مارکسیستی و دیالکتیکی به قضایا برخورد نمائیم. قدرت مارکسیزم-لیننیزم - مائوئیزم در شکل آن است نه در حرفی روشنفکرانه. "مارکسیزم، بدون شکل رفرمیزم ساده لوحانه ای بیش نیست". همین کفایت میکند که بعد از انحلال سازمان جوانان مترقی هزاران روشنفکر شعله ای بدون یک تشکل منضبط انقلابی به مبارزه پرداختند و سرانجام بکام ازدهای دوسر "سرخ" و سیاه رفتند. تا زمانیکه ماصادقانه از خود واز یکدیگر انتقاد نکنیم و از طریق مبارزه ایدئولوژیکی و سیاسی واصل انتقاد و انتقاد به وحدت نرسیم؛ راه بجائی نخواهیم برد. رفیق مائوتسه دوم میگوید: "صفت مشخصه که حزب ما را از سایر احزاب سیاسی متمایز میسازد. انتقاد صادقانه از خود است. همانطور که ما قبالا گفتیم. اگر اتاق را مرتب تمیز نکنیم، گردو خاک انباشته خواهد شد؛ اگر صورت خود را مرتب نشوئیم، کثیف خواهد شد. ممکن است ذهن رفقای ماوکار حزب ما را نیز گردو خاک بگیرد، و از این رو احتیاج به روئیدن و شستشودارد. ضرب المثل "آب جاری ممکن نیست بگنجد و پاشنه در هرگز موریانه نمیزند" به این معنی است که حرکت دائم مانع تأثیر فاسدکننده میکروب ها و طفیلی ها میگردد. بررسی مداوم کار خودمان و در این پروسه توسعه سبک دموکراتیک کار، نهرا سیدن از انتقاد و انتقاد از خود و پیروی کردن از این پندهای آموزنده رهبر خلق چین: "در باره آنچه که میدانی سکوت اختیار مکن، آنچه گفتنی داری برای خودت نگه مدار"، "هیچ کسی را بخاطر حرفی که زده است گناهکار ندان، بلکه از گفته های آن پند بگیر"، "اگر عیبی داری، آنرا اصلاح کن و اگر ننداری، مراقب باش" اینست یگانه

وسيله مؤثر برای حفظ رفاوارگانیزم حزب ما از سرایت گردوخاک و میکروب های سیاسی.(در باره دولت ائتلافی 24 اپریل 1945).جای تأسف است که بعد از سی سال هنوز هم بخشی از جنبش چپ ما، درگیر نظریات لمپانه و فحش گونه و غیر اخلاقی میباشد و شخصیت افراد و یکدیگر را خورد و خمیر نموده و میخوانند باشبیم طوفان بر پا نمایند. ما بادرک مسئولیت تاریخی و انقلابی خویش از تمام بخش های اصولی و یا نسبتاً اصولی جنبش (م. ل. م) افغانستان رفیقانه آرزو مندیم که خرده کاری، محفل بازی و گروهیگری را کنار بگذارند و با تقویت روحیه انتقاد پذیری و گسست از انحرافات اپورتونیستی و رویزیونیستی، با مبارزات ایدئولوژیک سیاسی خویش و با طرد نظریات اپورتونیستی و لمپانه بپذیرش اصل کمونیستی" انتقاد و انتقاد از خود" به پروسه وحدت اصولی و دیالکتیکی ایجاد حزب کمونیست انقلابی (م ل م) افغانستان بپیوندند. منافع خلق را بر منافع گروهی خویش ترجیح دهند. و صادقانه در راه منافع مردم که در شرایط فعلی همانا ایجاد حزب کمونیست انقلابی و پیشبرد مبارزه ملی و طبقاتی به اشکال مختلف آن علیه امپریالیستهای امریکائی و عضو ناتو یاری رسانند. در غیر آن همان آش و همان کاسه خواهد بود و مقدرات و سرنوشت سیاسی مردم سالهای سال بدست نیروهای ارتجاعی بورژوازی و فنودالی و امپریالیسم گره خواهد خورد. و ما بطور نمایی صرف در الفاظ ادا و اطوار انقلابی در خواهیم آورد و در قطره کشتی رانی خواهیم نمود. امید داریم رفقا با نظریات انتقادی، رفیقانه و تکمیلی خویش این پروسه رایاری رسانند.